

مرضیه ترابی| روستای ازغد یا به قول اهالی آن «رُقی»، آبادی خوش‌آب‌وهوایی در دامنه شمالی کوه‌های بینالود است که در چهل‌وشش کیلومتری جنوب‌شرقی مشهد قرار دارد. ازغد درمیان اهالی مشهد، بیلاقی شناخته‌شده است و دست‌کم از ششصد سال قبل، درباره آن گزارش‌های تاریخی، درقالب کتیبه و یادداشت‌های مورخان یافت می‌شود. این منابع گسترده نیست، ولی حکایت از جایگاه تاریخی ازغد دارد.

صرف‌نظر از متن کتیبه‌های مشهور مسجد جامع روستا، برخی منابع مانند «عالم‌آرای عباسی»، ضمن اشاره به وقایع دوره متقدم صفویه، از روستای ازغد به‌عنوان محور ارتباطی مشهد به‌سمت نیشابور یاد می‌کنند که البته مسیری نه‌چندان هموار اما بسیار نزدیک بوده است و از آن با نام «کُتل ازغد، نام برده شده است. افزون‌بر این‌ها، وجود گورستانی بسیار قدیمی در روستا که نزداهالی به‌نام «قبرستان گبرها، مشهور است، نشان می‌دهد که باید برای ازغد، تاریخی بسیار طولانی با دامنه وسعت چندهزارساله درنظر گرفت، هرچند تاکنون تحقیقی درخور درباره سرگذشت و پیشینه این روستا انجام نشده است. یکی از نکاتی که معمولا در تاریخ ازغد چندان به آن توجه نمی‌شود، تهاجم‌های مکرری است که این منطقه، به‌ویژه در قرن نهم‌ودهم قمری با آن روبه‌و شده است. در این دوره که با ظهور و اوج گرفتن دودمان فرمانروایان صفوی در ایران هم‌زمان است، ازبکان با سوءاستفاده از تهاجم عثمانی‌ها به غرب ایران و خالی ماندن شرق از مدافعان کافی، به خطه خراسان حمله و خسارات زیادی به مردم این منطقه وارد می‌کردند. طبعاً ازغد نیز، از این تهاجم‌ها در امان نبوده است. کاوش‌های «قدیر افروند، که در مقاله مفصل «سنگ قبور دشت توس» (مجله وقف میراث جاودان، شماره‌های ۴۷ و ۴۸، پاییز و زمستان ۱۳۸۳) انتشار یافته است، خبر از وجود گورهایی در قبرستان قدیمی ازغد می‌دهد که ساکنان آن‌ها، ظاهراً مقتولان هجوم ازبکان به این منطقه هستند؛ افرادی مانند، با‌اعلی‌بن‌درویش عبدالعلی (درگذشته ۹۷۱قمری)، و،خواجه محمدشریف‌ولدشاه‌محمد ازغدی (درگذشته ۱۰۲۰)، که از آن‌ها بر روی سنگ مزارشان، با نام «شهید، یاد شده است.



در تاریخی مسجد روستای ازغد

ستون‌های حامل تاریخ

درباره قدمت مسجد ازغد، حرف و سخن بسیار است. تاکنون مطالعاتی دقیق برای تعیین قدمت این بنا، از طریق بررسی پایه‌ها و زیرساخت آن انجام نشده است. درمیان اهالی، افسانه‌ای شایع است که براساس آن، خرج مسجد (منظور مال یا چیز ارزشمندی که برای هزینه مسجد کنار گذاشته شده) زیرساختمان آن دفن شده است و اژدهایی از آن نگهداری می‌کند، افسانه‌ای که بی‌شباهت به روایت‌های مربوط به مکان ساخت آتشکده در ایران باستان نیست و احتمال دارد مسجد ازغد، مانند بسیاری از مساجد قدیمی ایران، پیش از کاربری فعلی، آتشکده یا محل سکونت موبدان در عصر ساسانی و حتی چندصباحی پس از آن بوده باشد، البته این ادعا فعلاً اثبات‌شدنی نیست و فقط می‌توان در حد یک ادعای قابل مطالعه به آن نگریست. آنچه درباره این مسجد می‌توان به آن استناد کرد، مجموعه کتیبه‌هایی است که در داخل بنا به چشم می‌خورد. مهم‌ترین این کتیبه‌ها، مربوط به دوران حکومت شاهرخ تیموری است، چیزی حدود ۱۰ سال بعد از ساخت مسجد جامع گوهرشاد که تاریخ ساخت آن، سال ۸۳۳هجری قمری / ۸۰۸هجری شمسی است و به خط نسخ بر روی ستون چوبی روبه‌روی محراب، حکاکی شده است. این

درباره روستای تاریخی ازغد و مسجد قدیمی و اسرارآمیز آن

گنجینه‌ای ۶۰۰ساله در جوار مشهد



دیدنی‌های تاریخی روستای ازغد

تنها به مسجد قدیمی آن خلاصه

نمی‌شود. در این روستا یک حمام

قدیمی، یک مدرسه تاریخی و

قبرستانی با مقبره‌های دارای

سنگ‌نوشت عبیری نیز وجود دارد،

اما جذاب‌ترین آن‌ها دو درخت

چنار کهن سال است که قطر تنه هر

یک از درختان به سه متر می‌رسد

و در دوطرف درب مسجد حکم‌دو

مناره مسجد را دارد. کارشناسان،

عمر این درخت را تقریباً با مسجد

برابر دانسته‌اند و برای آن قدمتی

پانصد ششصدساله نوشته‌اند.

ازغد؛ روستای موقوفه‌ها

سنت حسنه وقف در ازغد، مانند دیگر روستاها و آبادی‌های این منطقه، پیشینه‌ای بسیار قدیمی دارد. اگر تابه‌حال سری به ازغد زده باشید، در حاشیه جاده پیچ‌درپیچ و کوهستانی آن، درخت‌های توتی را می‌بینید که وقتی هستند و برای استفاده رهگذران کاشته شده‌اند. در تمام نواحی اطراف ازغد، در مناطقی مانند «شلقمین»، «مورون» و...و نیز خود روستا، باغ‌ها و مکان‌های وقفی بر املاک خصوصی غلبه دارد. از محل درآمد همین موقوفه‌هاست که در ماه‌های محرم و صفر، مراسم عزاداری و اطعام در حسینیه روستا برگزار می‌شود. وجود موقوفات گسترده در ازغد را می‌توان در اسناد بسیار قدیمی نیز مشاهده کرد. این موقوفات، لزوما جنبه مذهبی نداشتند. می‌دانید که وقف، کاربردهای مختلفی



دارد و واقف می‌تواند از آن برای تأمین مالی هر خواسته مشروعی استفاده کند، خواسته‌هایی مانند تأمین زندگی خاندان و فرزندان خودش. به این ترتیب، بعد از مرگ واقف، املاک او حفظ می‌شود، کسی نمی‌تواند آن‌ها را بخرد یا بفروشد و درعین‌حال، درآمد موقوفه، نیازهای حوزه مالی مدنظر او را تأمین می‌کند. زنده‌یاد عبدالحمید مولوی در بخش دوم مقاله مفصل «مدرسه علمیه نواب» (مجله‌نامه آستان قدس، شماره ۲۴، سال ۱۳۴۵) ضمن برشمردن موقوفات میرزا محمدمحسن رضوی، پدر میرزا صالح رضوی، بانی مدرسه نواب و مصلاّی پایین‌خیابان، به‌زمین‌های وقفی میرزا محمدمحسن در روستای ازغد اشاره می‌کند که در سال ۱۰۷۵ قمری (۱۰۴۳ خورشیدی) وقف و محل هزینه‌کردن درآمدهای آن، «تأمین زندگی اولاد ذکور واقف»، تعیین شده است.

مسجد؛ نگین تاریخی روستای ازغد

با وجود همه این نشانه‌های شایسته مطالعه و جذاب تاریخی، آنچه در تاریخ ازغد قابل مطالعه‌تر از بقیه شواهد به‌نظر می‌رسد، مسجد جامع روستاست که یکی از جاذبه‌های مهم گردشگری این منطقه نیز محسوب می‌شود. مسجد ازغد، بنایی است مستطیلی‌شکل، دارای شیبستان و ایوان. مساحت تقریبی آن حدود ۲۲۰مترمربع است. بنای مسجد را با سنگ و گل و چوب ساخته‌اند. ایوان مسجد ۲۱مترمربع مساحت دارد و در ضلع جنوبی آن قرار گرفته است. سقف بنا به‌طورکامل از چوب ساخته شده است که در دوره متأخر، به‌منظور جلوگیری از نفوذ نم و رطوبت، روی آن را شیروانی کرده‌اند. در قسمت زیرین ایوان، شش حجره ساخته شده است که در قدیم، از آن به‌عنوان مکتب‌خانه و مدرسه علمیه استفاده می‌کرده‌اند. بنای شیبستان بر روی دوازده ستون چوبی قرار دارد که پایه آن‌ها سنگی است و با استفاده از کلاف و میخ چوبی، با هنرمندی تمام، به سقف بنا متصل شده‌اند. پایه‌های ستون‌ها که از سنگ سیاه ساخته شده است، ابعاد متفاوتی دارد و شاید دلیل آن، تعمیرات بنای مسجد در ادوار مختلف باشد. از مهم‌ترین تزئینات بنای مسجد ازغد، در چوبی و بسیار نفیس آن است، دری به ابعاد ۱/۷ در ۲/۹۵متر که آن را با طرح‌های بسیار زیبایی منبت‌کاری کرده‌اند. بیشتر نقش‌های به‌کاررفته روی در، نقوش گیاهی است و به‌نظر می‌رسد قدمت آن، با قدمت کتیبه‌های مسجد یکی باشد.



فضای از ستون‌های پایه سنگی مسجد ازغد

جهان روزنامه‌های قاجاری خراسان در یک کتاب

بنیان‌نهند. دوروزنامه «اردوی همایون» و «ادب» برای به‌دست آوردن رتبه نخستین روزنامه شهر مشهد با یکدیگر کتاب دوپست و چهل صفحه‌ای نشر ایوار، قصد دارد به نیاز پژوهشگران تاریخ مطبوعات خراسان در دوره قاجاریه پاسخ بدهد. در این کتاب به نام‌های بزرگی مانند ادیب‌الممالک فراهانی، میرزاهاشم قزوینی، شیخ ابوالقاسم نحوی وسیدحسین اردبیلی‌برمی‌خوریم که درواقع مهاجرانی بوده‌اند که به هر دلیل، دست سرنوشت و روزگار آن‌ها را به مشهد پیوند نیز به قانون مطبوعات در کتاب «نام‌ها و نامه‌ها، به‌دست می‌دهد،

روزنامه‌نگاران خراسان در دوران قاجار است که «ستار شهواذی‌بختیاری، آن‌ها را گرد آورده است. نویسنده این کتاب دوپست و چهل صفحه‌ای نشر ایوار، قصد دارد به نیاز پژوهشگران تاریخ مطبوعات خراسان در دوره قاجاریه پاسخ بدهد. در این کتاب به نام‌های بزرگی مانند ادیب‌الممالک فراهانی، میرزاصادق خان تبریزی، میرزاهاشم قزوینی، شیخ ابوالقاسم نحوی وسیدحسین اردبیلی‌برمی‌خوریم که درواقع مهاجرانی بوده‌اند که به هر دلیل، دست سرنوشت و روزگار آن‌ها را به مشهد پیوند نیز به قانون مطبوعات در کتاب «نام‌ها و نامه‌ها، به‌دست می‌دهد،

زینبی! نخستین نقش مطبوعات در زمان انتشار آن‌ها ست که وظلیفه مهم اطلاع‌رسانی را برعهده دارند و جامعه را به‌سوی آگاهی و دانایی هدایت می‌کنند. دومین نقش مطبوعات که درحقیقت محصول نخستین نقش آن‌هاست، آن است که با درج اخبار و گزارش از رویدادها و وقایع منطقه خود، درواقع مواد و مصالح اولیه تاریخ‌نگاری را برای مورخان و پژوهشگران علوم مختلف فراهم می‌آورند.

این‌ها عقایدی است که نویسنده کتاب «نام‌ها و نامه‌ها، در پیشگفتار کتاب خود آورده است تا به اهمیت مطبوعات در نگاه خود اشاره کند. این کتاب، روایتی از روزنامه‌ها و

تاریخ خوان



فرهنگ دوره مفرغ در جغرافیای خراسان بزرگ

کشف تمدن آمودریا بهانه کاوش در محوطه‌ای دیگر از همین دوره

هادی دقیق

یکی از این دوره‌های تاریک تاریخ منطقه خراسان بزرگ که محوطه کاوش شده چندانی در خراسان ایران ندارد و اطلاعات اندک اما مهمی از آن دردسترس است، دوره مفرغ است. عصر مفرغ یا برنز، تقریباً از ۳هزارو ۴۰۰پیش از میلاد آغاز می‌شود و تا ابتدای عصر آهن، یعنی حدود ۱۳۰۰، ۴۰۰پیش از میلاد ادامه دارد. نخستین نشانه‌های فرهنگ عصر مفرغ خراسان بزرگ امروزی را «دشلی‌تپه، در شمال افغانستان نشان داد. تقریباً در همان زمان، از مرو در جنوب ترکمنستان نیز آثار همین دوره یافت شد. همسانی آثار مرو و بلخ (باختر دوره هخامنشی)، تصور شکل‌گیری این فرهنگ از دل این منطقه را گسترد، تاجایی که این جغرافیا به «مجموعه باستان‌شناختی باختر-مرو، یا «تمدن آمودریا، شهره شد. این فرهنگ مبتنی بر کشاورزی و تمدن ساکن در ارگ‌ها و دژها، سفال‌های چرخ‌ساز، اشیای تذهینی و تزئینی بسیار ارزشمند و شبکه گسترده بازرگانی در نیمه غربی آسیا بود. برای تمدن آمودریا، تاریخی بین ۲۳۰۰ تا ۱۳۰۰ پیش از میلادگفته شده است و حدود جغرافیایی آن، تقریباً همین منطقه جغرافیایی و بدون مرز سیاسی خراسان بزرگ امروزی است که هنوز هم می‌توان اشتراکات آن را به‌سادگی دید. شگفت‌انگیز است که ردپای تمدن عصر مفرغ منطقه جغرافیایی خراسان بزرگ تا تپه‌حصار دامغان و شهداد کرمان هم کشیده شده است که نشان‌دهنده دامنه‌گسترده بازرگانی این فرهنگ در آن زمان است.

● محوطه‌های باستانی خراسان از عصر برنز

سال ۱۳۷۰ در محدوده «کریم‌آباد، در غرب نیشابور، به‌صورت اتفاقی حین حفر چاه، محوطه‌ای باستانی کشف می‌شود که در مسیر رودخانه فاروب واقع بوده است. همین یافته‌های اندک و ارزشمند، درهای شناسایی محوطه‌های عصر مفرغ خراسان بزرگ را روی باستان‌شناسان گشود. سال‌ها بعد، در شمال غرب نیشابور حین ساخت‌وساز مسکن مهر در شهر جدید «فیروزه»، بقایای تمدنی دیگر پیدا شد که آن‌هم نشانه‌هایی از عصر مفرغ منطقه خراسان بزرگ داشت. در این میان، جاذبه فیروزه از نسخی دیگر بود. در این محوطه قطعات تزیینی سنگ‌های قیمتی و نیمه‌قیمتی مثل عقیق و سنگ صابون به‌صورت ناتمام و پایان‌یافته با ضایعات فراوان سنگ فیروزه و قطعات اندک لاجورد کشف شد که نشانگر نقش محوطه شهرک فیروزه در تولید و صادرات در این تمدن است. یکی از ویژگی‌های مهم این تمدن، همین پیکره‌ها و اشیای تزیینی است. «تپه‌عشق، بجنورد نیز جزو محوطه‌هایی است که حین خاک‌برداری برای ساخت یک بنا پیدا شده است. یک گور شامل تدفین همراه با ساختاری سنگی متعلق به عصر مفرغ خراسان بزرگ از یافته‌های آنجاست. دیگری، «محوطه چلو، در شهرستان جاجرم خراسان‌شمالی است که آثار عصر مفرغ نیز به‌ویژه از گورهای آن کشف شده است.

در خراسان جنوبی نیز «محوطه رزه، در شرق روستایی به همین نام و نزدیک مرز ایران و افغانستان، حین شخم‌زنی یک زمین کشاورزی کشف و یافته‌هایی از دو گورستان مربوط به این دوره در آن پیدا شد. سرنوشت غم‌انگیز محوطه گوند فردوس نیز می‌گوید به‌احتمال زیاد یکی از محوطه‌های این تمدن را کامل از دست داده‌ایم، محوطه‌ای که خاکش بارها برای کشاورزی جابه‌جا شده و حتی بیرون زدن اشیای تاریخی پای قاچاقچیان آثار باستانی را به آن باز کرده بود، با این حال از خاک به‌هم‌ریخته اینجا فقط سفال این دوره یافت شده است.

به‌تازگی نیز محوطه باستانی «کلاته‌باور، در جنوب شهر بجنورد، به‌صورت اتفاقی و حین ساخت‌وساز اهالی کشف شده که فصل اول کاوش آن، خرداد امسال آغاز شده است. تاکنون از کلاته‌باور، گورستانی مرتبط با این دوره یافت شده است.

● معماری ودست‌خالی خراسان

درباره معماری این منطقه هنوز به‌درستی نمی‌توان تصویری ارائه کرد. در نمونه‌های مرو و باختر، بقایای معماری با پلان چهارگوش و برج‌های مدور یافت‌شده، ولی در خراسان ایران چنین نمونه‌هایی تاکنون کشف نشده است. تنها یافته‌های باستان‌شناسی این منطقه از تمدن آمودریا، بقایای معماری کارگاهی در شهرک فیروزه و بقایای خمره‌هایی بزرگ به‌عنوان انبار در محوطه چلوست با نشانه‌هایی از کف‌سازی.

● تدفین ویژه عصر مفرغ

گورستان گنور در مرو، شاخص‌ترین گورستان این دوره است. گورهای این منطقه از گور خالی تا تدفین یک یا چند نفر را شامل می‌شوند. برخی گورهای خالی، احتمالاً برای تدفین در آینده آماده می‌شدند و برخی یادمانی‌اند، یعنی تدفین در آن‌ها انجام نشده است، اما اشیایی درون قبر گذاشته‌اند. گورهای یافت‌شده در خراسان نیز بسیار به‌سبک تدفین این گورستان شبیه است. در نمونه‌های پیداشده در خراسان، جسد به پهلو جمع شده است و به‌عبارتی چمباتمه‌زده، دفن شده و حتی تدفین حیوان همراه انسان یا تدفین حیوان به‌تنهایی کشف شده است که از ویژگی‌های اصلی تدفین در این تمدن است. در محوطه شهرک فیروزه، تدفین چاله‌ای و خمره‌ای دیده می‌شود و کاوشگر این منطقه معتقد است تدفین داخل خمره از این منطقه به مرو رفته است. در محوطه چلو و تپه عشق نیز شواهدی از تدفین انسان با بز و سگ یافت شده است. همه این تدفین‌ها همراه اشیاء و ظروفی درون قبر است.

● پیکرک‌های شگفت‌انگیز

ویژگی مشترک همه پیکرک‌های انسانی این تمدن، حالت نشسته و دست‌هایی است که در بیشتر آن‌ها روی سینه جمع شده است یا در برخی روی زانوست. پیکرک‌ها از جنس سنگ‌صابون‌اند و همواره سر و گردن و گاه دست‌ها از آرنج تا انگشت از جنس دیگری است. معمولاً از جنس سنگ‌آهک یا مرمرند که به بدنه پیکرک چسبانده شده‌اند. سر این پیکرک‌ها کلاه‌ای از جنس بدنه آن‌هاست. لباس تن پیکرک‌ها نیز شگفت‌انگیز است، لباسی با طرح‌های هندسی منظم. در ایران تاکنون از گوند فردوس و کریم‌آباد نیشابور چنین پیکرک‌هایی پیدا شده است. پیکرک کریم‌آباد در موزه بزرگ خراسان نگهداری می‌شود.

فهرها، دیگر یافته جذاب محوطه‌های باستان‌شناسی این تمدن هستند که نقش روی آن‌ها، هندسی، انسانی و حیوانی یا ترکیبی از این دو و نقوش اساطیری است. ستونک‌های مینیاتوری، از دیگر اشیای منحصر به‌فرد تمدن مفرغی خراسان بزرگ هستند، ستون‌های سنگی صیقلی که از مکان‌های مسکونی و گورها به‌دست آمده‌اند و بیشتر باستان‌شناسان، کاربری آیینی آن‌ها را تأیید می‌کنند.

درنهایت، با این چشم‌انداز باید امید داشت که محوطه‌های دیگری از این فرهنگ پربار و بالنده در آینده، کشف و کاوش شود. فرهنگی که یافته‌های کمی در خراسان دارد و هنوز به‌درستی شکل زندگی مردمش را نمی‌شناسیم و نمی‌دانیم دلیل متروک شدن پایگاه‌هایشان چه بوده است، عوامل زیست‌محیطی، هجوم اقوام بیگانه، عوامل فرهنگی، ظهور آیین زرتشت یا...؟